



- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
- سردبیر: سید مسعود طالع هاشمی
- نشانی: خیابان کوهسنگی
- ابتدای کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی: ۱-۵ ۸۸۸۸ ۳۷۲-۵۱
- نمایر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
- روابط عمومی: ۵۲ ۳۷۲ ۴۸۴ ۳۸۰-۵۱
- شماره پیامک: ۷۷۸۹۰۳۰۰

SHAHRRANNEWS.IR

اشبه

۸ بهمن ۱۴۰۲
۱۶ رجب ۱۴۴۵
شماره ۲۱۴۴

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میتوان نامۀ اخلاق حرفه‌ای

دمای هوای مشهد

۷۴٪

۲۰° ↑ ۱۳°

صبح ۸

ظهر ۱۲

عصر ۹

شب ۵

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۴۴:۲۲ نیمه شب شرعی ۲۳:۰۰:۴۵

غروب آفتاب ۱۶:۵۲:۴۸ اذان صبح فردا ۰۵:۰۸:۰۹

اذان مغرب ۱۷:۱۲:۱۶ طلوع آفتاب فردا ۰۶:۳۵:۱۶

کارتون شهر



بخش زیادی از ساختمان های کشور ایمنی لازم را ندارند رضا جنگی

شوخی بی شوخی

تاج بالاسر

نامه رئیس یک شرکت در راستای شفاف سازی پرداخت حقوق کارکنانش

رئیس یک شرکت که چند ماه است حقوق کارکنانش به تعویق افتاده است نامه‌ای برای ما فرستاد که با خواندن آن متوجه غیر ساختگی بودنش می شوید:

به‌عنوان مدیر یک شرکت وقتی حرف‌های رئیس فدراسیون فوتبال را خواندم لذت بردم و با خودم گفتم: کاش کارکنان زیرمجموعه من این حرف‌ها را زده بودند. ایشان گفته بودند: من از سال ۸۶ به فدراسیون فوتبال آمده‌ام صبح‌ها ساعت ۷ می‌آیم و تا ساعت ۸ یا ۹ یا گاهی ۱۰ شب درگیر هستم، اما یک ریال حقوق، دستمزد، پاداش، ماشین، خودرو، سکه نگرفته‌ام.

ضمن آرزوی اینکه هیچ رئیس فدراسیونی محتاج نان شبش نشود باید بگویم خواندن حرف‌هایش برایم خیلی دل‌نشین بود. مخصوصاً که ایشان شانزده سال مشغول کار بوده‌اند ولی حتی یک ریال هم حقوق نگرفته‌اند. آن وقت اگر کارکنان اینجا نه شانزده سال که هشت ماه حقوقشان با تأخیر واریز شود دل به کار نمی‌دهند. باور کنید اگر کارکنان شرکت من هم حرف‌های تاج را می‌زدند، تاج بالاسر من بودند. ضمناً من توقع ندارم که آن‌ها هم مثل ایشان پانزده ساعت بدون مزد کار کنند بلکه همان هشت ساعت بدون مزد هم کافی است.

البته این از ضعف قوانین است که ما باید به کارمند خودمان حقوق بدهیم. اصلاً چه معنا دارد که هم برای او شغل ایجاد کنیم هم اینکه به او حقوق بدهیم. متأسفانه مافکرمی کنیم اخلاق ورزشی فقط همین است که بازیکن توپ نمی‌زنند زمین را هنگام مصدوم شدن بازیکن تیم مقابل به بیرون برزند.

در صورتی که بیرون از زمین هم می‌توان همانند آقای تاج بهترین اخلاق ورزشی را داشت و حقوق را حفظ کنند.

نگرفت. نکته دیگر اینکه حقوق کارگران در مقابل حقوقی که آقای تاج می‌تواند بگیرد ولی نمی‌گیرد مانند قطره‌ای است در مقابل دریا. ولی ایشان با بزرگواری خودش آن را دریافت نمی‌کند. به نظر من حتی اگر روزی ما ۱۷ گل هم از مال‌دیو دریافت کنیم به خاطر اینکه رئیس فدراسیونمان حقوق نمی‌گیرد باز هم فدراسیون فوتبال کشورمان باید به عنوان برترین فدراسیون سال آسیا انتخاب شود. آقای تاج در همین مصاحبه گفته‌اند که از جای دیگری درآمد دارند و من هم، همانند شما نمی‌دانم چطور وقتی خودشان از ۷ صبح تا ۹ شب سرکار هستند از جای دیگر درآمد کسب می‌کنند. شاید درآمدشان از این راه باشد که موقع رفت و برگشت به فدراسیون توی راه مسافر سوار کنند. کاش تمام کارمندان من از جایی غیر از حقوق شرکت، درآمد کسب می‌کردند. البته من مشکلی با این ندارم که حقوق کارمندان را چند برابر کنم ولی به شرط آنکه آن‌ها نیز همانند تاج حقوق در نظر گرفته شده برای خودشان را دریافت نکنند. شاید با خودتان بگویید خوب اگر آقای تاج حقوق نمی‌گیرد آن حقوق گرفته نشده که به جیب مردم نمی‌رود و اصلاً چرا باید چنین چیزی را مطرح کند؟

اتفاقاً به نظر من خیلی هم کار خوبی کردند که این مورد را مطرح کرده‌اند چون شاید کارگران هم سرمشق بگیرند و بدون مزد بیایند سرکار. در پایان امیدوارم آقای تاج جزو آن سرپرست خانوارهایی نباشد که این‌ها یارانه آن‌ها قطع شد. همچنین از کارکنان خودم می‌خواهم اگر کسی سود سهام عدالت اضافه دارد به حساب آقای تاج واریز کند تا ایشان همچنان بتوانند اخلاق نیکوی حقوق نگرفتن خودشان را حفظ کنند.

اول شخص

حافظ میراث شیعی

یادی از سیدعبدالعزیز طباطبایی یزدی، محقق و کتاب‌شناس در حوزه متون کهن که نقش بسزایی در احیای آثار شیعی داشت به مناسبت سالروز در گذشت او

پس از مدتی علاقه و تمایلش را در علوم کتاب‌شناسی و احبای میراث کهن شیعی یافت. دو شخصیت فرزانه از جمله «علامه حاج آقابزرگ تهرانی» و «علامه حاج شیخ عبدالحسین امینی» (مؤلف کتاب‌الغدیر)، در راه هدایت و پرورش محقق طباطبایی از هیچ کمکی دریغ نداشتند و گنجینه‌ای از تجربیات و دانسته‌های خود را سخاوتمندانه در اختیار او قرار می‌دادند. این چنین بود که نام سید عبدالعزیز طباطبایی

سال بیشتر نداشت. از نعمت پدر محروم شد. اما در ادامه مسیر زندگی، وارث نبوغ و زهد و پشتکار او بود. پس از آن، به قم آمد و از دانش‌آیت... حاج آقا رضا صدر بهره‌برد و یک سال بعد به نجف بازگشت و در جوار حرم امیرالمومنین^(ع) به ادامه تحصیل و تحقیق پرداخت و مراتب عالی فقه، اصول، کلام و فلسفه را از محضر بزرگانی چون آیت... سیدابوالقاسم خویی، آیت... شیخ مجتبی لنگرانی و دیگر بزرگان آن زمان فراگرفت. اما

هرآن‌کسی که در حوزه علوم پژوهش‌های اسلامی-دستی بر قلم و سری در کتب‌گوناگون برده باشد، با نام «محقق طباطبایی» کلاه از سر برداشته و سر تعلیم فرود می‌آورد. پژوهشگر نامداری که تمام عمر خود را وقف تحصیل و تدریس و تحقیق کرد و نامش یعنی «عبدالعزیز طباطبایی یزدی» در سایه فعالیت‌های علمی‌اش به «محقق طباطبایی»، تغییر شهرت یافت. ریشه‌خاندان طباطبایی به استان یزد بازمی‌گردد و خانواده پدری و مادری‌اش هر دو از عالمان بنام زمانه‌شان بودند. عبدالعزیز طباطبایی، اما در شهر نجف به دنیا آمد. اول بار جد بزرگ پدری‌اش، صاحب‌اثر «عروه‌الوثقی»، عازم عراق شد و از آن به بعد نسل‌های پس‌از او نیز در نجف متولد شدند. پدر محقق طباطبایی هم در شهر نجف، شخصیت علمی و برجسته‌ای بود. او را به یکی از علمای نامدار شهر می‌شناختند و فرزندش عبدالعزیز نیز از همان هنگام که تحصیلات مقدماتی را تمام کرد و به سلک طلاب علوم دینی درآمد، مدارج علمی‌را همچون پدر بالارفت.

هرچند در میانه راه، هنگامی که پانزده



بنیاد محقق طباطبایی، نهادی علمی پژوهشی بر پایه میراث علمی محقق طباطبایی

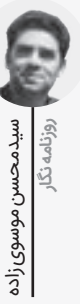
سال ۱۳۷۵ در ست یک سال پس از درگذشت محقق طباطبایی، طرحی با هدف احیای کتابخانه شخصی او به بازماندگانش ارائه شد. نتیجه این طرح، تأسیس کتابخانه‌ای منتسب به محقق طباطبایی بود که رفته رفته به مرجع ارزشمندی برای استفاده پژوهشگران و مراجعان در سطوح علمی گوناگون تبدیل شد. این بنیاد در سه بخش مخازن کتب چاپی، نسخه‌های عکسی و میکروفیلم هاست و موضوعاتی چون حدیث، رجال، تاریخ، طبقات، تراجم و سرگذشت‌های اسلامی را دربرمی‌گیرد.

روایت

از بهر مزد می‌زدمش!

مجازی می‌شود همین افراد می‌آیند و در کامنت‌ها شروع به ناسزایی می‌کنند. حالا اگر بررسی اصل مطلب چیست، اگر صادق باشند ابراز بی‌اطلاعی می‌کنند، در غیر این صورت جوابی می‌دهند که متوجه می‌شوی اصلاً این‌ها اصل قضیه را نمی‌دانسته‌اند. در دانشگاه و ادارات هم همین است. افرادی که سال‌ها کار کردن در یک سیستم اداری آن‌ها را به متخصصان ورزیده‌ای تبدیل کرده و می‌دانند، چه موقع، کجا و چگونه باید به دیگران حمله کنند. با همه تفاوت‌هایی که این افراد دارند،

افراد بیشتر از حس علاقه به عقیده و مرامشان است و در چنین واکنش‌هایی به اصطلاح دود و تا چهار تا کردن وجود ندارد. اما این روزها شاهد رفتار افرادی در فضای مجازی مانند توییتر، اینستاگرام و در فضای حقیقی مانند محیط کار، محل زندگی و دانشگاه هستیم که مدام در حال حمله لفظی به این‌وآن بوده و گاهی در این‌میان کاسه داغ‌ترازاش هم می‌شوند به طوری که در میان داغ کردن و پر خاشگری این‌ها خود افرادی که مدعی حمایت از آن‌ها شده‌اند، می‌گویند که کمی آهسته‌تر برو. زمانی که بحثی در فضای



روزنامه نگار سیدمحسن موسوی‌ناراده

چکامه

کسی به زیر فلک دست بر قضا دارد..... که اعتکاف به سر منزل رضا دارد
مریض شوق کی اندیشه دوا دارد..... شهید عشق کجا فکر خون بها دارد
من و صراحی من بعد ازین و نغمه نی..... که هم نشینی صافی دلان صفا دارد
حکایت غم جانان پیوس از دل من..... که آشنا خبر از حال آشنا دارد
مرا دلی است که از درد عشق رنجور است..... تو را لبی است که سر مایه شفا دارد
یکی ز جمع پراکندهگان عشق منم..... که عقده بر دل از آن جعد مشکسا دارد
به راه عشق بنام دل فروغی را..... که با وجود جفایت سر وفا دارد

فروغی بسطامی



عکس روز

چینی نازک تنهایی

این چند روز تعطیلی و خلوت پس از امتحانات را می‌توانستند یک کنسول بازی اجاره کنند یا یک سفر اطراف شهر بروند، یا اصلاً بنشینند خانه به تماشای بازی‌های جام ملت‌های آسیا و تخمه بشکنند و کری بخوانند! اما خودخواسته چشم بستند، خودخواسته با زلف یاری گره زده‌اند خویش را... این نسل محاسبه‌گرو تحلیلگر است، به او گران فروشی و کم فروشی نمی‌شود کرد. اعتکاف جلا خوردن روح است و این نسل چه بی‌محابا آغوش باز می‌کند به تجربه و چشیدنش. اعتکاف مز مزه کردن یک تنهایی دسته جمعی است. یک رجوع به خویشتن در حضور دیگران و این نسل، این نسل تنهامانده خوب یاد گرفته است برای یک ماندنش چطور برنامه ریزی کند و به قول «سهراب» چینی نازک تنهایی‌اش را روی کدام طاقچه بگذارد که ترک برندارد.

برای مشاهده گزارش تصویری کد را اسکن کنید.

عکس: محمدحسن صلواتی / شهرآرا
روایت: ضحی زردکانلو